

سرشناسه	کاشفی، حسین بن علی، ۸۴۰ - ۹۱۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور	روضه‌الشهداء / تألیف ملا کمال الدین حسین واعظ کاشفی بیہقی.
شناسه افزوده	علامه شمرانی، ابوالحسن / ۲۲۰ - ۲۹۲ ق / محقق
شناسه افزوده	عبدالحمیدی، علی / ۱۲۶۲ / مصصح
مشخصات نشر	قم: چاپکو، ۱۳۹۶.
مشخصات نشری	۵۹۰ ص.
شابک	۵۰۰۰۰ ر.هال ۱-0-99739-978-600
وضعیت فهرست نویسی	فیا
ادبیات	کتاب، حاشیه توسط ناشران متفاوت در پال‌های مختلف منتشر شده است.
موضوع	روضه‌خوانی — متون قدیمی تا قرن ۲۰
زبان	Rowdah-Khani (Commemoration of the martyrs of Karbala) -- Early works to 20th century*
موضوع	واقعه کربلا، ۶۸۰ ق.
موضوع	Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680
رده بندی کلاسیک	BP ۲۶۰/۳۹۶ ۲۷۹/۱
رده بندی دیر	۷۲۲/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۵۰۷۶۲



انتشارات چاپکو
شماره مجوز ۱۳۶۵۱

روضه‌الشهداء

ملا کمال الدین حسین واعظ

عنوان: روضه‌الشهداء
تألیف: مرحوم ملا کمال الدین حسین واعظ کاشفی بیہقی

تحقیق: مرحوم علامه شمرانی

تصحیح: علی عبدالحمیدی

ناشر / محل نشر: چاپکو / قم

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قطع، نوع کاغذ و تعداد صفحات: وزیری، ۵۹۰ صفحه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۳۹-۱-۰

تمامی حقوق این اثر محفوظ و متعلق به مرکز پخش محراب علم می باشد.

تلفن مرکز پخش ۰۹۱۹۲۹۰۷۰۲۹

فهرست مطالب

۲۳	مقدمه
۲۶	مذهب کاشف
۲۸	روضه الشهداء
۳۱	مقدمه مؤلف

باب اول: در ابواب جمعی از انباء علیهم التحیه و الثناء

۴۱	نخست: ابوالبشر آدم صلی الله علیه و آله
۵۳	در بیان ابتلای نوح علیه السلام
۵۴	رحمی کن ای رحیم که وقت ترحم است
۵۷	بیان ابتلای ابراهیم علیه السلام
۵۸	[ابتلای اول حضرت ابراهیم علیه السلام]
۶۰	[ابتلای دوم حضرت ابراهیم علیه السلام]
۷۱	بیان ابتلای یعقوب و یوسف علیه السلام
۷۶	[وصایای یعقوب به یوسف]
۷۷	[سفارش یعقوب به روبیل درباره یوسف]
۸۱	[دعای یوسف علیه السلام]
۹۰	[خریداری مالک توسط مالک]
۹۲	[برخورد شدید غلام با یوسف]

۹۴.....[ابتلاى سوم يوسف]

۱۰۳.....[جریان ابتلاء حضرت ایوب]

۱۱۰.....[علت شهادت یحیی علیه السلام]

باب دوم: در جفاى قریش و سایر کفار با حضرت سید ابرار علیه صلوات الله
الملک الجبار و شهادت حمزه و جعفر طیار

۱۱۷.....[ابتلاى اول بر اسلام ﷺ]

باب سوم: در وفات حضرت سید المرسلین علیه افضل صلوات المصلین و علی
عترته و أسرته اجمعین

باب چهارم: در بعضی از احوال سیدة النساء فاطمه زهرا علیها السلام

۱۸۷.....[از وقت ولادت تا زمان شهادت]

باب پنجم: در بعضی از اخبار و حالات مرثیه علی علیه السلام

۲۲۷.....[از زمان ولادت تا هنگام شهادت]

باب ششم: در بیان فضایل امام حسن و بعضی از احوال آن در ولادت تا
شهادت علیه السلام

۲۷۰.....[خطبه امام حسن علیه السلام بعد از شهادت پدر]

باب هفتم: در مناقب امام حسین علیه السلام

۲۹۷.....[از ولادت آن حضرت و بعضی از احوال وی بعد از برادر]

باب هشتم: در ارسال مسلم بن عقیل بن ابی طالب و قتل بعضی از فرزندان او رضوان الله علیهم اجمعین

باب نهم: در رسیدن امام حسین (علیه السلام) به کربلا و محاربه نمودن با اعدا و شهادت آن حضرت با اولاد و اقربا و سایر شهداء رضوان الله علیهم اجمعین

.....	۴۲۶	ذکر شهادت زهیر بن حسان الاسدی
.....	۴۳۲	شهادت عبدالله بن عمر بن خطاب
.....	۴۳۳	شهادت ابی بن خضیر
.....	۴۳۵	ذکر شهادت و ابی بن عبد الله الکلبی
.....	۴۴۱	شهادت عمرو بن حباب و پسر
.....	۴۴۲	شهادت سعد بن حنظلہ تمیمی
.....	۴۴۲	شهادت عمرو بن عبدالله
.....	۴۴۲	شهادت حماد بن انس
.....	۴۴۳	شهادت وقاص بن مالک
.....	۴۴۳	شهادت شریح بن عبید
.....	۴۴۴	شهادت مسلم بن عوسجه اسدی
.....	۴۴۶	شهادت پسر مسلم بن عوسجه
.....	۴۴۶	شهادت هلال بن نافع بجلی
.....	۴۴۸	شهادت عبدالرحمن بن عبدالله یزنی و یحیی بن سلیم مازنی
.....	۴۴۸	شهادت عبدالرحمن بن عروه
.....	۴۴۹	شهادت مالک بن انس بن مالک
.....	۴۵۰	شهادت عمرو بن مطاع
.....	۴۵۰	شهادت قیس بن منبه
.....	۴۵۱	ذکر شهادت هاشم بن عتبہ

- ۴۵۴..... ذکر شجاعت و شهادت فضل بن علی علیه السلام
- ۴۵۶..... شهادت حبیب بن مظاهر
- ۴۵۸..... شهادت حریره غلام
- ۴۵۸..... شهادت یزید بن مهاجر جعفی
- ۴۵۹..... شهادت انیس بن معقل اصبحی
- ۴۵۹..... شهادت عابس بن شیب و غلام او
- ۴۶۰..... شهادت جابر بن سروق
- ۴۶۱..... شهادت حنیف بن حارث و مالک بن عبد سریع
- ۴۶۱..... ذکر شهادت غلام ثریبی رضی الله عنه
- ۴۶۴..... شهادت حنظلہ بن سعد
- ۴۶۴..... شهادت یزید بن زیاد
- ۴۶۵..... شهادت سعد بن عبدالله الحسینی
- ۴۶۵..... شهادت جنادة بن حارث انصاری
- ۴۶۶..... شهادت مرثیہ بن ابی مرثیہ
- ۴۶۶..... محاربه و شهادت محمد بن مقداد و عبدالله بن دجانہ
- ۴۶۶..... شهادت شش تن از موالیان
- ۴۶۸..... ذکر شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل
- ۴۷۱..... شهادت محمد بن عبدالله بن جعفر
- ۴۷۲..... شهادت عون بن عبدالله
- ۴۷۲..... ذکر شهادت عبدالله بن حسن علیه السلام با سه تن از غلامان
- ۴۷۲..... ذکر شهادت قاسم بن امام حسن
- ۴۹۱..... شهادت ابوبکر بن علی علیه السلام
- ۴۹۲..... شهادت عمر بن علی
- ۴۹۲..... شهادت عثمان بن علی

.....	شهادت عون بن علی	۴۹۳
.....	شهادت جعفر بن علی	۴۹۵
.....	شهادت عبدالله بن علی	۴۹۵
.....	شهادت عباس بن علی علیه السلام	۴۹۶
.....	ذکر شهادت علی اکبر علیه السلام	۵۰۰
.....	شهادت علی اصغر علیه السلام	۵۰۸
.....	در شجاعت و سادامه امام حسین علیه السلام	۵۱۱

باب دهم: در اهل بیت را بعد از واقعه کربلا پیش آمده و عقوبات مخالفان که مباشر آن حرب شدند

.....	فصل اول در وقایعی که بعد از حرب کربلا بر اهل بیت را واقع شده	۵۲۵
.....	فصل دوم: در عقوبت قاتلان امام حسین علیه السلام	۵۸۱

هوالحکیم

کمال الدین حسین بن علی، اعظم کاشفی در نیمه اول قرن نهم هجری در شهر سبزوار به دنیا آمد و در سال ۹۱۰ هـ ق در شهر هرات از دنیا رخت بربست. ایشان ابتدای عمر در سبزوار می‌نویست. و به منظور که در اجازه روایتی که در صفحه آخر کتاب صحیفه الرضویه به خط خود در سال ۸۷۲ برای نظام الدین عبدالخالق بن عبدالعلی بیهقی نوشته می‌بینیم که آن را از پدر خود روایت می‌کند، بنابراین باید پدرش از علماء بزرگ زمان بوده و بسر را در سایه تربیت خود پرورش داده باشد.

در سبزوار به کار وعظ می‌پرداخت و مردم را هدایت و راهنمایی می‌نمود و پس از زمانی، آهنگ سفر نمود و به سوی نیشابور رفت و مدتی در آنجا به امر وعظ پرداخت و سپس به طرف مشهد حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رهسپار گشت و چند صباحی هم در مشهد زندگی کرد.

پس ایشان رهسپار هرات شد و در آنجا ملازمت جامی را نموده و در آنجا امر وعظ و خطابه و تألیف و تصنیف پرداخته با شاهدگان دربار هرات رفت و آمد می‌کرد. وقتی که نوبت فرمانروایی و سلطنت میرزا بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ هـ) رسید، بر مقام و شهرت کاشفی بیش از پیش افزوده و نزد سلطان، منزلت و تقریبی حاصل کرد و وزیر دانش‌پرور او نظام الدین امیر علیشیر نوایی، کاشفی را

در امر تألیف و تصنیف تشویق می نمود و به کمک و تشویق این مرد بزرگ ، کاشفی تألیفات گرانبهایی برای فارسی زبانان فراهم آورده است.

منصب وعظ و خطابه که در آن زمان مخصوص محدثین و علماء بزرگ بوده ، به کاشفی داده شده ، بامداد آدینه در دار السیاده سلطانی وعظ می نمود و پس از برگزاری نماز جمعه در مسجد جامع امیر علیشیر ، خلیق را ارشاد و هدایت می فرمود.

روز سه شنبه در مدرسه سلطانی و چهارشنبه در آرامگاه خواجه احمد به وعظ پرداخته و در اواخر عمر ، گاهی اوقات در حضیره سلطان احمد میرزا به وعظ می پرداخت و در این معاصر معین الدین صاحب کتاب معراج النبوه بوده که در سال ۹۰۷ هـ : گشت او هم در مقصوده جامع هرات وعظ می نمود و بالاخره او پس از عمری خدمت به معارف اسلامی در سال ۹۱۰ هـ ق برابر با ۸۸۴ ش دار دنیا را وداع گفت و آرامگاه ایشان هم اکنون در سبزوار بین آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری ، و بنای مصلائی قرار دارد.

این فاضل نامدار در دوره تیموریات زندگی می کرد و عالمی ذی فنون و صاحب اطلاع وسیع در رشته های مختلف بوده است ، کتابهای متعددی را در موضوعات متنوع از خود به یادگار گذاشته است.

فهرست آثار ملاحسین واعظ کاشفی

۱. جواهر التفسیر کلام القدر که گاهی به عنوان «عروس» نامیده شده است.
۲. المواهب العلیه فی تفسیر کتاب خالق البریه ، معروف به تفسیر ملا حسین کاشفی ، که نخستین تفسیر به زبان فارسی است و در آغاز آن مقدمات عرفیه مربوط به تفسیر را با عنوان ۲۲ عنوان در ضمن چهار اصل اساسی بیان کرده است. سپس سوره حمد ، بقره ، آل عمران و تا آیه ۸۴ از سوره نساء را تفسیر نموده است.

نام دیگر این تفسیر «زهرا وین» نیز می باشد ، چون شامل دو سوره کامل و دو

گل رخشان قرآن ؛ بقره و آل عمران می‌باشد. دو نسخه خطی از این تفسیر تحت شماره ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ در کتابخانه مدرسه شهید مطهری تهران موجود است.

۳. روضه الشهداء ، کتاب مورد بحث است.

۴. اخلاق محسنی که به سال ۹۰۰ هـ ق به نام ابوالحسن میرزا شاهزاده نیمو نوشته است و به او اهداء کرده است.

۵. مخزن الإنشاء که در فن ترسل و نامه نگاری است که به سال ۹۰۷ هـ ق تألیف شد

۶. انوار سهیل که بر جدید از کتاب کلیله و دمنه و به قصد ساده کردن آن است.

۷. فتوت نامه سلطانی ، در شرح آداب جوانمردان و طبقات مختلف آنان .

۸. لبّ لباب مثنوی که خلاصه‌ای از لباب مثنوی به انتخاب کاشفی است. این کتاب با مقدمه سعید نفیسی به صیغ رسیده است

۹. اسرار قاسمی که در مورد سحر و جادو و کیمیا و دیگر علوم غریبه است.

۱۰. رساله حاتمیه درباره حاتم طایی که به سال ۸۹۱ هـ ق انجام یافته است

لوامع الشمس ، مناهج الزهره ، منایح العطار ، مواهب الرحا .

۱۱. کتاب الاربعین در احادیث موعظه

۱۲. کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

کتاب الروضه الشهداء

ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام یکی از ارکان و ابزار فرهنگ شیعه به شمار می‌رود که از عصر حضرات معصومین علیهم السلام معمول و متداول بوده است... که در عهد آل بویه در خود بغداد، عزاداری خیابانی انجام می‌گرفت و در دوران بعدی هم با توجه به موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، نوعی عزاداری و ذکر مصیبت متداول و مرسوم بوده است.

ولی از قرن نهم به بعد نام این عمل به «روضه» و «روضه خوانی» تغییر عنوان پیدا کرد و ظاهر امر این است که این نام از عنوان کتاب «روضه الشهداء» تألیف ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری (م ۹۱۰ هـ) اقتباس و الهام گرفته باشد و پیش از آن کتابی در نثر به پای آن نمی‌رسید.

این کتاب با همه نواقصی که داشته است، به عنوان منبع و مأخذ اهل ذکر و ذاکرین و روضه خوانان مولا اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار گرفته است و دوستداران اهل بیت علیهم السلام در طول قرون به کتاب استناد کرده‌اند.

کتاب «روضه الشهداء» مشهورترین اثر تألیفی فارسی پیرامون شهید و شهادت انبیاء و اولیاء و اولیاء (رضوان علیهم) می‌باشد که از قرن نهم و اوائل قرن دهم به یادگار مانده است. کتاب دیگری به اینصورت نبوده است، البته عامل بقاء و دوام حیات آن، علاوه بر زندگی کردن مردم مع آن، نثر شیوا و قلم رسا و ادب فاخر و منزلت علمی و ادبی کتاب است که آن را به رد توجه خوانندگان و اهل ادب و قلم قرار داده است.

مرحوم علامه حاج آقا بزرگ تهرانی (ره) در مورد این کتاب می‌نویسد: «روضه الشهداء فارسی ملمع و درخشان تألیف مولی واعظ حسین بن علی کاشفی بیهقی (م ۹۱۰ هـ ق) می‌باشد... برخی احتمال داده‌اند این کتاب نخستین مقتل فارسی بوده است که در میان فارسی زبانان انتشار یافته است به حدی که به خواننده آن «روضه خوان» می‌گفتند، و این نام تا این زمان شیوع و گسترش یافته است... ولی در بخش مقتل خواهد آمد که مقتل فارسی متقدم‌تر از آن کتاب نیز بوده است که خود روضه الشهداء از آن نقل مطلب نموده است. و آن کتاب مقتل فارسی تألیف ابی المخافر رازی است که در کتاب روضه الشهداء شعر او را آورده است. این کتاب نخستین بار در لاهور به سال ۱۳۸۷ و در بمبئی به سال ۱۳۳۱ و در تهران

به سال ۱۳۳۳ ش به چاپ رسیده است.^۱

حقیقت امر این است که نشر بدیع و ادب فاخر و درخشان و معلومات و اطلاعات متفرقه و محتوای پر بام توأم با شعر و تمثیل آن در سطحی قرار داد که امروز پس از گذشت پانصد سال از تألیف آن می‌توان از نشر بدیع و ادب آن بهره جست. در اختیار مشتاقان قرار داد، و شاید همین نکته باعث شده است که این کتاب به عنوان نخستین اثر فارسی روضه خوانی در سطح عمومی مطرح و مورد توجه قرار گیرد.

نقاط مثبت و منفی روضه الشهداء

کتاب روضه الشهداء دارای نقاط مثبت و منفی است که می‌توان از آن تعبیر به نقاط ضعف و قوت نمود. بی‌نقاط قوت آن بر نقاط ضعف آن غلبه دارد.

نقاط قوت و مثبت

۱. نشر قوی و برخورداری از ادب فاخر

این کتاب همانند برخی از کتاب‌های عصر خویش: بدایع الوقائع آصفی و تاریخ و صاف استر آبادی ادب شیرین و نشر قوی توأم با شعر، مقرون با تاریخ و مشحون از آیات و روایات می‌باشد،

۲. کثرت معلومات مؤلف:

این کتاب سرشار از علوم، معارف، اطلاعات کلامی، تاریخی، علمی و نجاشی می‌باشد و این تنوع و تکرار، نوعی جاودانگی و استمرار و دوام بر کتاب بخشید است که کمتر نظیر آن را از نظر تنوع و تکرار، می‌توان در بین هم ردیفان خود پیدا نمود.

۳. منابع متنوع

^۱ الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۹۴-۲۹۵، کد ۱۷۷۵

در این کتاب از دهها کتاب و منبع نادر و کمیاب و دست اول، مطالبی نقل شده است که امروز نمی‌توان آنها را پیدا نمود و اتفاقاً اسامی آنها نیز قید و ضبط شده است، این امر به محققین و پژوهشگران روز این امکان را می‌دهد که جهت شناخت آن منابع هم بوده باشد، به این کتاب مراجعه‌ایی داشته باشند به منابع ملی دسترسی پیدا کنند.

۴. منابع غیر شیعه

شیخ بزرگوار در این کتاب از منابع اهل سنت در مقام معرفی اهل بیت علیهم‌السلام و ندانیدن مقامات و مراتب آنان بهره گرفت. به قول شاعر:

خوشر آن باشد که در دلبران گفته آید در حدیث دیگران

۵. جامع بود

یکی دیگر از امتیازات این کتاب جامع بودن آن به تمام احادیث و روایات و آیات و سنن و سیره پیرامون اهل بیت علیهم‌السلام ریژه ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام می‌باشد بی آن که تحلیل کامل یا موضعی خاصی از خود نشان دهد. هر چند که احادیث غیر قابل استفاده نیز در میان آن احادیث و تواریخ وجود داشته است و این امر یکی از عوامل بقاء و استمرار و تداوم این کتاب می‌باشد.

۶. نخستین مقتل رایج

همچنین یکی دیگر از نقاط قوت کتاب، عنوان «نخستین مقتل ائمه اربعه سی رایج و متداول» بودن آن می‌باشد. این نوعی قداست، حرمت و پیشی از همه کتاب‌ها آن داده است و گویا روضه خوانی که در فرهنگ شیعه از این نام، بهره جسته است.

نقاط ضعف

۱. اصول علم درایه:

رجال و قواعد شناخت حدیث درست انجام و اعمال نشده است نوعاً از روایان ضعیف و مجهول الحال به صورت ارسال مطلب نقل شده است غث و

سمین، قوی و ضعیف، معتبر و نامعتبر هر دو با هم، و در کنار هم قرار گرفته‌اند خواننده باید بسیار نکته‌سنج، هوشیار و اهل دقت باشد که بتواند آنها را از همدیگر تفکیک و جدا نماید و هر کدام را در جایگاه خاص خود قرار دهد.

۲. نوی منابع و مآخذ مؤلف از منابع عامه می‌باشد

گیا مؤلف در آن شرایطی که می‌زیسته است چاره‌ای جز استفاده از مآخذ و تبع اهل سنت را نداشته است، گرچه این مسأله در نوع خود مزینی شمرده شده است ولی کیفیت منابع آن است که حراست و دقت و تعمق شیعه خیلی قوی‌تر، از اهل سنت است خاصه آنکه، عامه یک قرن و نیم دیرتر از شیعه، به نگارش حدیث و سیر، و آورده است که خیلی از مطالب و حقایق از دست رفته بود.

با این اوصاف ما را بر آن داشت که به بررسی کتاب روضه الشهداء و تصحیح و تحقیق و مقابله با برخی کتب سیر و اصلاح و توضیح بعضی نکات به طور اجمالی، پردازیم. در ضمن در این باب به مشورت با خوانندگان جهت جلوگیری از پراکندگی موضوع و سیر به توجّه بیشتر به موضوع عاشورا و ابعاد آن فصل خاتمه در ذکر اولاد سبطین و سلسله نسب ایشان حذف گردید. لذا امیدواریم که خداوند به همه ما و همه عزیزانی که بحری در چاپ و نشر آن کمک نمودند توفیق عنایت بفرماید تا در راستای مسیر حُران و شَرَت گام برداریم. در تصحیح و تحقیق این نسخه و نسخه‌های قدیمی روضه الشهداء از نسخه‌های تصحیح شده آقای دکتر محمد روشن و نیز مرحوم عقیقی سایشی نیز مورد استفاده قرار گرفت. خداوند به همه این عزیزان خیر کثیر عنایت بفرماید.

قم: علی عبدالحمیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

مؤلف کتاب رحمه الله الشهید کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی از بزرگان علم دین و ارکان مبین اساتید ادب و نثر نویسان فارسی است و نظیر او را روزگار کمتر به یاد دارد در مادیات و معنویات و گویند شوهر خواهر ملا عبدالرحمن جامی است. اصلاً از مردم سبزوار است در این شهر به وعظ می پرداخت. پس از چندی به نیشابور و از آنجا به مشهد مقدس رفت و در آنجا نیز به وعظ اشتغال داشت. پس از آن به هرات رفت و در عهد سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا (۹۱۱-۸۸۳) و در دربار او نهایت اعزاز و احترام دید. وزیر دانش پرور او، امیر علیشیر نوائی او را تشویق بسیار می کرد و به تألیف و تصنیف ترغیب می فرمود چون هم در علوم دینی و انواع آن به حد کمال بود و هم در نویسندگی و ادب از بزرگترین اساتید فن خویش و کمتر این دو کمال کسی مجتمع باشد و آنکه جمع دارد باید قدر خویش بداند وقت بیهوده از دست ندهد که مردم از او فائده بسیار برند و اتفاقاً امیر علیشیر ارزش او را دانست و قدر او را شناخت.

صبح هر روز جمعه در دارالسیاده سلطانی هرات موعظه می کرد و خطبه نماز جمعه را در مسجد امیر علیشیر می خواند، سه شنبه و چهارشنبه در مدرسه سلطانیه هرات وعظ می کرد و روزهای پنج شنبه در حظیره سلطان احمد برای

دیدار مردم مقیم می ماند و یکشنبه را کاری نمی کرد چنانکه در روضات الجنات آورده است.

از تتبع فهرست و مضامین کتب او بر می آید او با آنکه جامع فنون دینی بوده در سایر علوم زمان خویش هم مهارت داشت و اکثر کتب خود را به فارسی نوشته بلکه به زبان عربی کتابی از او بیاد نداریم:

- ۱- از جمله کتاب **جواهر التفسیر** است بسیار بزرگ و مفصل، در روضات الجنات آورده است. در این کتاب تفصیل فواید بسیار دارد که در جای دیگر یافت نمی شود و مصادیق و احادیث کمیاب و نکات لطیف که دل اهل دل را به خود می کشاند و در اول آن که مشتمل بر پنجاه هزار بیت است از جزء پنجم قرآن نگذشته است و اگر تا پایان می رسید، سیصد هزار بیت می گشت. اما در دست ما بیش از همان جزء اول نیست و دیگری نوشته است از ۸۹۰ تا ۸۹۲ به نوشتن این جزء مشغول بود والله العليم.
- ۲- و از جمله کتب او مخبر است که در دست ما است تا آخر قرآن مشتمل بر بیست هزار بیت.

۳- تفسیر دیگری معروف به مواهب الایه که مشهور و متداول است.

۴- کتاب تفسیر سوره یوسف تفسیری است زبان عرفا و اصطلاح آنان.

۵- دیگر از کتب وی انوار سهیلی است و آن تعریفی در کینه و دمنه معروف است و پاره حکایات دیگر بر آن افزوده است اگر چه غرض از این سهیل عبارت و کاستن لغات عربی و جمل و امثال غیر مأنوس ادبی است ولی این سخن دانند هر چه از محاسن اصل کتاب کاسته، به جای آن چیزی که جبران آن نقص را نمی نیفزوده و کلیله اصلی با همان لغات عربی و عبارات معقد بر انوار سهیلی است. دارد باری انوار سهیلی را برای مردی به نام امیر احمد سهیلی نوشته است.

۶- اخلاق محسنی به نام ابوالمحسن فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا نوشته

است به سال ۹۰۰.

۷- مخزن الانشاء روش نامه نگاری است در آن عهد که هر کس را به چه عنوان یاد کنند و ختم و ابتدا و سایر محاسن نامه چیست.

۸- کتاب در فضیلت صلوات بر رسول خدا ﷺ

۹- کتاب در اختیارات نجوم

۱۰- کتاب الاربعین در احادیث موعظه

۱۱- کتاب شرح اسماء الله الحسنی

۱۲- کتاب در فضیلت و اورادی که از بزرگان دین روایت شده است.

۱۳- کتاب در علم صرف.

۱۴- کتاب اسرار قائم می در طاسمات و امثال آن.

۱۵- کتاب السبعه الکاشفه مشتمل بر هفت رساله در علم نجوم

۱۶- کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

۱۷- کتاب شرح مثنوی

۱۸- کتاب لب مثنوی

۱۹- کتاب لب لب آن

۲۰- کتاب روضه الشهداء

و غیر از این ها کتاب دیگر در غیر روضات به او نسبت دادند مانند مرآت

الصفاء فی صفات المصطفی ﷺ.

تحفه الصلوٰه

ما لابد منه فی المذهب.

رساله علویه.

رساله حاتمیه.

میامن الاکتساب فی قواعد الاحتساب.

رساله در علم اعداد.

رساله فیض النوال فی بیان الزوال.

مواهب زحل.

میامن مشتری.

قواعد مریخ.

رامع الشمس.

مباهج الزهرة.

مناهج عطارد.

تاریخ قمر.

در این کتاب هفت رساله همان السبعة الکاشفة باشد که از روضات نقل کردیم.

کتاب روضه الشهداء از امام و مصائب انبیاء آغاز کرده تا به حضرت خاتم انبیاء ﷺ و پس از آن از مصائب اهل بیت علیهم السلام و تاریخ وفات آنان آورده است و در این معانی مبتکر است و بیشتر آنچه در کتب گذشته و افواه مشهور است از آن کتاب است با اینکه گاهی در تاریخ و بعضی مطالب با روایات دیگر اختلاف دارد.

وفات کاشفی با اتفاق مورخین سال ۱۱۰ بود در هرات. اما تاریخ ولادتش در سبزواری معلوم نیست و یقیناً از خاندان علم بوده است و از پدر خویش روایت دارد و مدت عمر وی را نیز نمی دانیم اما ظاهراً عمر طولانی یافت و هنگام تألیف روضه الشهداء چنان که خود گوید پیر فرتوت بود و نمی توانست روایت فصاحت در میدان بلاغت برافرازد و الله العالم.

مذهب کاشفی

گرچه دانستن مذهب مردم فائده معقول ندارد مگر آنچه قاضی نور الله شوشتری در مجالس المومنین قصد کرده یعنی تکثیر سواد خواسته چون وقتی عامه مردم بدانند بسیاری از بزرگان حکما و عرفا و ادبا و عقلا و مردمان برجسته

روزگار، دوستار اهل بیت و وابسته به آنان بودند. بیشتر رغبت در این مذهب می‌کنند برخلاف طریقه آنان که هر عاقلی مانند ابوعلی سینا و فارابی و امثال آنها را بی‌دین یا خارج از مذهب دانستند؛ قهراً سبب می‌شود که مردم پندارند هر کس عقل نداشت و چیزی نمی‌دانست مسلمان بود و هر کس چیزی دانست از اسلام بیرون رفت. باری ملاحسین کاشفی یا شیعی بود در باطن یا اگر سنی بود و به مذهب ابوحنیفه تظاهر می‌کرد، در اصول با یک نفر عالم شیعی فرق نداشت و بسیاری در میان اهل سنت که با شیعه فرق ندارند جز در احترام صحابه چنانکه در دنیا بسیار کسانی که در همه عمر حرمت صحابه را در ظاهر محفوظ داشتند.

گرچه بنای تألیفات ملاحسین کاشفی بر روش اهل سنت است اما هیچ شیعی هم ابتکاری مانند روضه الشهباء نکرده است.

قاضی نور الله گوید: معاشرت با امرای هرات خصوصاً با امیر علیشیر او را به تظاهر به مذهب آنها واداشت و کرانه علم سبزواری پیوسته شیعه بودند و ملا حسین هم در سبزواری متولد شده و پرورش یافته بود و مرید وقتی در مشهد مقدس به تحصیل علم اشتغال داشتم از طلاب و مردم آنجا شنیدم که چون ملاحسین کاشفی از هرات به سبزواری آمد مردم سبزواری در برابر او شدند که آیا در طول غیبت دست از تشیع برداشته است؛ اتفاقاً وقتی به منبر اعظم می‌کرد بر زبانش گذشت که جبرئیل دوازده هزار بار بر پیغمبر ﷺ فرود آمد. پیرمردی عصا به دست از پای منبر برخاست و پرسید جبرئیل بر علی ﷺ چند بار فرود آمد؟ ملاحسین متحیر فروماند چه بگوید اگر بگوید جبرئیل بر علی ﷺ فرود آمد به ظاهر دروغ گفته است و اگر بگوید فرود نیامد سبزواریان که درباره او سوء ظن داشتند به چوب و عصا او را می‌نواختند و کارش را می‌ساختند. لاجرم گفت بیست و چهار هزار بار بر علی ﷺ نازل شد. یکی پرسید بر این چه دلیل داری گفت: پیغمبر ﷺ فرموده: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا

یعنی من شهر علمم و علی در آن شهر است و ناچار کسی که به شهری رود دوبار از در شهر عبور می‌کند یکی وقت رفتن و دیگری وقت برگشتن و با این لطیفه خود را برهانید و دل مردم را خوش کرد.

زند کاشفی مولا فخرالدین علی مشهور به صفی نیز از فضل و علم پدر بهره رسانی داشت و در هرات در وعظ و ارشاد جانشین پدر بوده و در سال ۹۳۹ درگذشت.

روضه الشهداء

به برکت امام ابن عبدالحق کتاب روضه الشهداء را می‌توان گفت بیش از هر کتاب فارسی در ادکاب عقاید، دم رسوخ کرده و در قلوب آنان مؤثر واقع شده.

از مطالب و مقولات آن دانسته، تعبیر و سیاق و طرز بیان و کیفیت تنسيق حکایات و مراعات تناسب، چنان خوانندگان را از خود و پس از خود را شیفته خود ساخت که دهان به دهان و قدم به قدم از سینه به سینه و از کتابی به کتابی نقل گردیده است. مهارت نویسنده در وعظ و تسخير قلوب به حدی است که در وصف نمی‌آید و از آن باید قیاس گرفت به هنگام حیات در مواعظ شفاهی چه تأثیر در مستمعین می‌کرده است و به راستی سینه‌وای طلق که برای او برگزیده‌اند به جا بوده است اگر مذهب تشیع داشت در بیان موضوع داد سخن داده است و اگر به مذهب اهل سنت بود سبق از شیعیان می‌بود است و روش آنان را به آنها آموخته است.

اما کتب و روایاتی که مؤلف از آنها نقل می‌کند بسیاری در عهد ما رسوخ نیست. و شاید بعضی را معتبر ندانیم اما حاشا که چنین مردی سخن بی‌دلیل نرود. رسم وعاظ است آن سخن که بیشتر مؤثر باشد برمی‌گزینند و هر چه عواطف را در قلوب بیشتر برمی‌انگیزد انتخاب می‌کنند و به شواهدی که در اذهان شنونده جای گیرد موکد می‌سازند و هر نقل را که مفید این معنی باشد ممنوع نشمارند. شنونده

نباید آن را بیان وقایع تاریخ فرا گیرد بلکه برای پند و نصیحت بپذیرد. چه بسا وقایع که حقیقتاً واقع شده و در کتب آورده‌اند از آن پندی نتوان گرفت و چه بسا افسانه‌ها از زبان حیوانات که در آن پند بسیار است تا چه رسد به نقل ضعیف‌باری از نقل و کتب. روضه الشهداء عجب نباید داشت چون در ادای مقصود واعظ قوی است اگر - برای مقصود مورخ کافی نیست.

گویند کاشفی روضه الشهداء را دو سال پیش از وفات تألیف کرده است. به سال ۹۰۰ در دین الطنون گوید فضولی بغدادی آن را ترجمه کرده است به ترکی به نام ترجمه الشهداء و روایاتی بر آن افزوده و فضولی در ۹۷۰ یا ۹۶۳ درگذشت و نیز باید حای صبی آن را ترجمه کرده است و نگفت جامی که بوده؟ و به چه زبان ترجمه کرد.

در روضات الجنات گوید

اهل منبر و وعاظ کتاب روضه الشهداء را از همان آغاز تألیف در مجالس بر دست گرفته عین عبارات را می‌خواندند و در بیابان مصائب اهل عصمت به خواندن از روی آن اکتفا می‌کردند چون می‌دانستند به از آن نمی‌توانند تقریر کنند و از این جهت ذاکران مصائب اهل بیت به روضه خوان مشهور گشتند و به سعادت این مرد که در ثواب عمل همه مردم از آن عهد تا خدا خواهد شریک خواهد بود.

این کتاب را کاشفی چنانکه خود گفته است برای داماد سلطان - حسین میرزا بایقرا به نام مرشد الدوله والدین عبدالله المشتهر به سید میرزا تألیف کرده است والله العالم.

کتابه الاحقر ابوالحسن المدعو بالشعرانی

الله الرحمن الرحيم و به نستعين

ای شربت در سو دوا دل ما آشوب بلای تو عطای دل ما
از نامه حمد تو سفاقم دل ما وزن حبیب تو صفای دل ما

حضرت صبور بی ملال و شحور بی زوال شئت لبّاته و طابت بلیّاته در کتاب
کریم و کلام لازم التکریم خود زمر بلا رسدگان میدان محبت و محنت
چشیدگان معرکه مشقت را بدین خطاب در ز معزز و مرافراز ساخته که «و
لنبلونکم» و هرآینه می آزمائیم شما را یعنی با شما معامله آن ایندگان می کنیم
گرچه هیچ حال شما بر ما پوشیده نیست اما می خواهیم که عداوت و بار، هر
کس بر محک امتحان ظاهر گردد و عالمیان بدانند که کدام نقد از بونه اهل خلاص
ابتلا پاک و بیغش بیرون می آید.

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
و آزمایش الهی به چند نوع در این آیه واقع شده «بئس من الخوف» به چیزی از
ترس که آن خوف الهی باشد یا بیم دشمنان «والجوع» و به گرسنگی که آن

۱. سوره بقره ۱۵۵ و ۱۵۶. و لنبلونکم بئس من الخوف و النجوع ونقص من الاموال والانفس و الثمرات و بشر
الصابرين. الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا الي راجعون.

قحطی است یا تنگی معاش یا روزه داشتن «و نقص من الاموال» و نقص مالها به تاراج حادثات یا اخراج زکات و صدقات «و الانفس» و نقصان در نفسها که آن بیماری باشد و ضعف و عجز یا احتیاج و بینوائی، «و الثمرات» و به نقصان میوه ها و تلف شدن محصولات به آفات ارضی و سماوی یا مرگ فرزندان که میوه باغ اند و روشنی چراغ بصر و ثمره نهال پدر و مادر «و بشر الصابرين» و مژده ده صبر کنندگان را که در این بلیات طریقه شکیبایی پیش آرند و رسوم جزع و سکاه و فریاد کنند

بام مع خورند و دم نزنند جز به راه وفا قدم نزنند
خس بریزند در راه چون عود که از ایشان بیرون نیاید دود

«الذین» و این سروران که مستحقان بشارت دارند آنانند که به حکم الهی و فرمان پادشاهی، «اذا اص تهم معیبه» چون برسد ایشان را مصیبتی و بلیتی و نکبتی «قالوا» گویند از روی اخلاص به طریق انصاف که «اَنَا لِلَّهِ» بدرستی که ما از آن خداوندیم که به کمند بندگی او در بندیم، پس هر چه از خواجه به بنده رسد و از مالک بر مملوک واقع گردد جز تسلیم و تقیاد و رضا به حکم قضا چاره نباشد و «إِنَّا إِلَيْهِ» و ما به سوی مجازات و عافیات او «رَاجِعُونَ» باز گردندگانیم؛ یعنی رجوع ما به حضرت او خواهد بود و جزایش به سزا فرا خور کردار به ما خواهد رسانید اگر به حکم او خرسند باشیم، مستوجب ثواب ابد گردیم و اگر از آنچه مراد او بود سر بیچیم، مستحق عذاب مخلد شویم
سر قبول بیاید نهاد و گردن طوع که هر چه حاکم عادل کند همه داد است

مضمون این آیت وافی هدایت، مُشعر است به آنکه بلا محک نقد عالمیان است معیار تجربه احوال آدمیان است، تا هر که دعوی محبت کند، نقد جان او در بوتۀ بلا و کوره عنا به آتش امتحان و ابتلا بگذازند، آن که از غش هوای نفس دنی و غلّ آرزوی طبع خسیس پاک و پاکیزه است، از خلاص آزمایش خالص بیرون

می آید و ضراب عنایت چهره او در دار الضرب هدایت، به سکه قبول بیاراید و اگر مغشوش و معیوب است در نیران فراق به سمت احتراق موسوم شده، مردود ابد گردد.

و در یکی از کتب سماوی مذکور است که: «مَنْ أَحَبَّ أَوْ أَحَبَّ يَصْبُ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ» یعنی هر که دعوی دوستی حق کند و به دست ارادت حلقه در محبت بد یا هر که حق تعالی او را خلعت محبوبیت پوشاند یا جرعه مقبولیت نوشاند، باران بلا از بر معشوق و عنایابی بر فوق او ریزند و شادی و بهجت و آسایش و راحت، به تمام از دست گیران شود، «الْبَلَاءُ لِلْوَلَاءِ كَاللَّهَبِ لِلذَّهَبِ» ترجمه این کلام در مثنوی بهین تنوع آمده.

دوستی چون زر، با محبت آتش زر خالص در دل آتش خوشست

و از فحوای کلمات سابقه چنانکه در حیطه فهم در می آید که بلا متوجه اهل ولاست، و محنت متعلق به ارباب محنت؛ هر یک بنای محبت نهاده اند دری از محنت در وی گشاده اند و در هر میدان که رای ولا بر افراخته اند فوج بلا را ملازم او ساخته اند و هر که را حق سبحانه و تعالی دوست دارد، او را به بلا مبتلا سازد و به محن ممتحن گرداند؛ و مؤید این معنی محنت حضرت رسالت پناه ﷺ است آنجا که فرموده: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ» یعنی چون خداوند تعالی قومی را دوست دارد لشکر بلا و اندوه را بر ایشان گمارد و هر کس است که محنت به اندازه محبت بود و بلا به مقدار ولا نازل شود، هر که در راه دوستی حق از جمله رهروان پیش بود، هر آینه مشقت و بلیت او از همه بیش بود.

هر که را ذوق محبت بیشتر سینه اش از نیش محنت ریشتر

و از حضرت خواجه کائنات سوال کردند که «أَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ ابْتِلَاءً؟» کدام طائفه

از آدمیان سخت تراند از روی بلا؟ یعنی؛ بلای کدام گروه از آدمیان سخت تر و دل و جان سوزتر است و محنت کدام زمره از اصناف صعب تر و غم اندوزتر؟ گفت: «الانبياء» پیغمبران، که محرم حرم جلالند. ابتلای ایشان سخت تر از بلای جمله بشر است و محنتی که متوجه روزگار ایشان باشد از همه محنتها بیشتر. «ثم مثل فلان مثل» پس از ایشان بلای جمعی که مانده تر^۱ باشند بدیشان در سلوک سبیل محبت و وقوف بر سرایر معرفت، نیز صعب باشد پس آنها که اشبه بودند بدین جماعت، بر همین قیاس هر که به درگاه قرب اقرب بود بلا و عنای او شد راضی بود.

هر که در این زمره مقرب تر است جام بلای بیشترش می دهند
و آنکه ز دل به نظر خاص یافت داغ غنا بر جگرش می نهند

بلا نه شربت شیرین است که اطفال طریقت را دهند بلکه قدح زهر هلاهل است که بر بالغان راه نهند، یک از مشایخ می رسد:

دردی خوردن به میکده عادت ماست رطلی که گرانتر است آن شربت ماست

و از اینجا است که هر بلایی که گرانتر است، بر دلهای مبارک انبیاء نهاده اند و هر تحفه محنتی که قویتر است برای اولیاء و سنیاء فائز شده اند. در «روح الارواح» آورده که هر که را جاه صدیقان و قدمگاه مسلمانان می باید، یک قدم به مراد خود بر نباید گرفت و یک دم به آرزوی دل بر نباید آید.

عاشق باشی، ترا زیون باید بود ورنه ز ره عشق، برون باید بود

در راه ابتلای او هزار هزار دل کباب است و از کشاکش محنت و باری او هزار هزار دیده پر آب؛ در هر بادیه او را کشته ایست به حسرت افتاده و در هر

زاویه سوخته ایست از سَطَوَت کبریای او جان داده؛ تن کدام ولی است که نه گداخته، زبانه آتش کبریای اوست و دل کدام نبی است که نه پرداخته نشانه تیر بلای اوست. آخر نظری کن به حسرت آدم صفی و نوحه نوح نجی و در آتش اختن ابراهیم خلیل و قربان کردن اسماعیل نبیل و کربت یعقوب در بیت الاحزان و بلیت یوسف در چاه و زندان و شبانی و سرگردانی موسای کلیم و ماری و بی تیماری ایوب سقیم و ارة شکافنده بر فرق زکریای مظلوم و تیغ زهر آبداء بر سینه یحییٰ معصوم و آلم لب و دندان سرور انبیاء و جگر پاره پاره حمزه سید الشهداء و سنت اهل بیت رسالت و مصیبت خانواده عصمت و طهارت و سرش در دلو و بتوا، فذرا و فرق خون آلود علی مرتضی و لب زهر چشیده نور دیده زهرا و رنجه غم آغشته شهید کربلا و دیگر احوال بلاکشان این امت و محنت رسیدگان بآلی همت، همه ارجان غم اندوخته در کانون غم و آلم سر تا پای سوخته.

عالم زبان دوست محنت کده ایست وین است و غم نصیب هر دلشده‌یست
هر جا که نگاه می‌کنم در ره تو در خون شده سوخته غم زده ایست

ای عزیزان در راه هیچ نبی آنقدر خار بلا نریخته اند که بر راه سید بشر و بر فرق هیچ پیغمبر آن مقدار گرد محنت نبیخته‌اند که بر سر سرور؛ چنانچه در این معنی فرمود که «مَا أَوْذَى نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أَوْذِيَ»؛ یعنی رنجانیده نشد هیچ پیغمبری مانند آنکه من رنجانیده شدم و به همین نسبت با اهل بیت هیچ پیغمبر این جهان نکرده‌اند که با اهل بیت خواجه عالم و از جمله واقعی شهدای کربلا است که هیچ دیده بدانگونه مصیبتی ندیده و هیچ گوش چونان بلیتی نشنیده.

تا دهر هست واقعه زین صعب تر ندید هر کان خبر شنید کسش با خبر ندید
چشم زمانه بر ورق چرخ قصه‌ای پر سوزتر ز حال شیر و شیر ندید

امام یافعی در کتاب «مرآت الجنان» آورده که «ابن عبدالبرّ از حسن بصری نقل

کرده که در واقعه کربلا شانزده تن از اهل بیت با ابی عبدالله الحسین علیه السلام شربت شهادت چشیدند که در آن وقت و آنروز بر روی زمین ایشان را شبیه و نظیری نبود.» «در مصابیح القلوب مذکور است که «کعب الاحبار روزی مردم مدینه را از ملاحم و فتنه‌ها که در کتابها خوانده بود خبر می داد، در اثناء سخن گفت: عظیم این واقعه و بزرگ ترین ملحمه قتل حسین بن علی علیه السلام خواهد بود و چنین خوانده ام که آن روز که امام را شهید کنند، هفت آسمان خون بگیرند. گفتند: یا ابا ابراهیم! پس آسمان هیچ وقت خون گریسته باشد. گفت: «وَيَلْكُمُ اَنْ قَتَلَ الْحَسَنَ امْرُؤًا ظَلِمَ» وای بر شما که قتل حسین علیه السلام بزرگ کار و صعب امریست؛ پس فرزند خاتم یغمبران و سبط رسول آخر الزمان و ریحانه سید رسولان است. پسر سادات اوصیاء، پنجم آل عبا و نور دیده فاطمه زهرا علیه السلام است بدان خدائی که جان کعب به دست اوست که چنین خوانده ام که آن روز که وی را شهید کنند، گروهی از رستگان به سار و روضه وی بایستند و می گیرند تا قیامت، که هرگز از گریه باز نمانند. در شب جمعه هفتاد هزار فرشته آیند و بر سر قبر وی زاری کنند، چون باز شود به صوامع طاعت خود باز روند. اهل آسمان او را ابی عبدالله المقتول خوانند؛ فرشتگان زمین ابی عبدالله المذبوح و فرشتگان دریا او را حسین مظلوم خوانند و ماهی به هوا حنین شهید گویند.»

بر قتل حسین ارض و سما می گیرند از عرش اعلی تا به ثامی گیرند
ماهی ته آب و مرغ در روی هوا در ماتم شاه کربلا می گیرند
و گریه در این ماتم موجب حصول رضای ربانی و سبب وصول به ریائی
جاودانی است؛ چنانچه در آثار آمده که «مَنْ بَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ أَوْ تَبَّأَ رَجَبَاتُ لَهُ الْجَنَّةُ» یعنی؛ هر که بر حسین بگیرد یا خود را به تکلف به گریه راند،

۱. مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین واعظ بیهقی، متولد، ۷۵۷ ق.

۲. لُحُوف سید بن طاووس، ص ۱۵.

سزاوارتر باشد که او را به بهشت برند شیخ جاراالله علّامه فرمود که «هر که بگرید بر حسین، بهشت او را واجب شود و هر که خود را گریان فرا نماید به حکم «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» در وعده «وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» داخل است» امام رضی بخاری آمده که «ای عزیزان! خاک کربلا خاکيست که در آن خاک، تخم شهادت کشته اند و آب از دیده محبان و هواداران می طلبد که «مَنْ بَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ» پس هر شخصی که از جویبار دیده آبی به خاک فرستد هر آینه تخم محبت که در زمین سعادت اهل بیت کشته باشد، در مزرعه رضا به آب دیده وی پرورش یابد و چون از سرل «الْمَرْعَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ» بیرون رود؛ محصول آن نعیم جنت و نسیم بهجت بود» «وَكَيْفَ لِمَا لَمْ يَلَمْ» برای این است که جمعی از محبان اهل بیت هر سال که ماه محرم در آید مصیبت شهید را تازه سازند و به تعزیت اولاد حضرت رسالت پردازند، هم را دها را آتش سرت بریان گردد و دیده ها از غایت حیرت گریان.

زاننده این ماتم جان گسل روان گردد از دیده ها خون دل و اخبار مقتل شهداء که در کتب مسطور است تکرار نمایند و به آب دیده، غبار ملال از صفحه سینه بزدایند و هر کتابی که در این باب نوشته اند اگر چه به زیور حکایت شهداء حالی است اما از سمت جامعیت فضل سبطین و تفصیل احوال ایشان خالی است و بدین سبب اشاره عالی از عالی حضرت اطنت رتبت نقابت منقبت، شاهزاده اعظم، نقاوه ملوک الامم، آفتاب تابان فلک شری ماه درخشان سپهر شهریاری، شرف العتره النبویه، عزّ الفرقه العلویه، المخصوص با لئسب الحسنی و المختص با لحسب الحسینی، دارای جمشید مخبر فریدون فر خورشید منظر، خلاصه اولاد سلاطین نامدار، نقاوه احفاد خواقین عالیمقدار.

ذو همته یرقی غلی مرقی الغلی و بنوره انکشف دیا جیر السوری
 شاه ملک خوی فلک آستان گلین نه روضه مینو نشان
 سرور مے رایست بهرام جاه صفدر مهر آیت گردون پناه
 داور عادل دل عالی نسب والی کافی کف صافی حسب

رفیع قدری که ارتفاع سده مناقب و اعتلای عتبه مناصب و مراتبش در مرتبه
 ایست که نه سیاح و هم دور اندیش پیرامون سرادقات شرح آن تواند گشت و نه
 سبازش روشن زای گرد ساحل دریای بیان شمه‌ای از آن، تواند گذشت.

پایه قدرتی که از آن بیش است که توانم ادای آن کردن
 بلکه نشان به هزار زبان عشر اوصاف او بیان کردن
 قره باصره سادات و نقابت طره ناصیه سلطنت و نجابت
 سرو گلزار سید تعالین قره العین خواجه کونین

«المستفیض من منایح فیض الاله مرشد الاوله و الذین عبدالله المشتهر بسید
 میرزا لازالت سماء سلطنته بکوادب العظماء و الجلال مزینه و آیات ابتهه علی صحائف
 الکائنات بالتدوله و الکمال المبیته» که با وجود علو نسب در سیادت، چنانچه شمه‌ای
 از آن در آخر کتاب مسطور خواهد شد به شمو مرتبه در نسبت سلطنت نیز
 آراسته است [که] هم سیادت در نسب [و] هم شهرت و شرف صدور
 یافت که این فقیر حقیر حسین الواعظ الکاشفی ائده الله بلطف الخفیه به، تألیف
 نسخه جامع که حالات اهل بلا از انبیاء و اصفیاء و شهداء و سائر اهل بیت و ابتلا و
 احوال آل عبا بر سبیل توضیح و تفصیل در وی مسطور و مذکور بود اشتغال نماید،
 و از ابیات عربی آنچه ضروری الذکر باشد با ترجمه ایراد کند، و از ابیات
 فارسی آنچه مناسب اذهان اهل زمان بود در رشته بیان کشد.

در آیین سخن رانی بکوشد سخن را کسوتی از نو پوشد
 ز سگه نو کند نقد کهن را به زیورها بیاراید سخن را

اگر چه این کمینه بی بضاعت استحقاق این معنی نداشت، و به واسطه کبر سن و دیگر موانع رایت فصاحت در میدان بلاغت بر نمی توانست افراشت، اما چون امثال فرمان عظیم الشان آن حضرت از لوازم بود به ترتیب این نسخه که به نسخه الشیخاء موسوم است اشتغال نمود، و برده باب و خاتمه مرتب گردانید و فهرست ابواب این است.

باب اول: در ابتلای بعضی از انبیاء علی نبینا و علیهم الصلوٰه و السلام.
باب دوم: در جناب فریش با حضرت رسالت ﷺ و شهادت حمزه و جعفر طیار.

باب سوم: در جنات حضرت سید المرسلین علیه افضل صلوات المصنّین.
باب چهارم: در حالات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از وقت ولادت تا زمان وفات.

باب پنجم: در اخبار علی مرتضی علیه السلام از زمان ولادت تا شهادت.
باب ششم: در فضائل امام حسن عسکری علیه السلام و احوال وی از ولادت تا شهادت.

باب هفتم: در مناقب امام حسین علیه السلام و ولادت وی و احوال آن سرور بعد از وفات برادر.

باب هشتم: در شهادت مسلم بن عقیل و قتل بعضی از فرزندان اوست.
باب نهم: در رسیدن امام حسین علیه السلام به کربلا و محاربه وی با کفار و شهادت آن حضرت با اولاد و اقربا و سایر شهداء.

باب دهم: در وقایعی که بعد از حرب کربلا مر اهل بیت را واقع افتاد عقوبت مخالفان که مباشر آن حرب شدند.

خاتمه: در ذکر اولاد سبطین و سلسله نسب بعضی از ایشان.
امید به عنایت ربّانی، واثق است که در اتمام این رساله مدد توفیق ارزانی دارد و برکات این روایات و حکایات به روزگار فرخنده آثار دولت انجام حضرت

شاهزاده عالمقام، ائده الله تعالى الى قيام الساعه او ساعه القيام، واصل و متواصل
گرداناد و عامه مسلمانان و كافه اهل ايمان را از خواندن و نوشتن اين كتاب،
منوبات بي حساب كرامت كناد و هوالكريم الوهاب، آمين يا رب العالمين.

www.Ketab.ir